

نوروز

فرهنگ مردم آبادی زفره ZEFREH کوهپایه اصفهان

محمدحسن رجائی زفره‌ای

درموقع تحویل سال بعضی‌ها دعای : یا محول الحول والاحوال... می‌خوانند. جوان‌ها تخم مرغی روی آینه نهاده و باور دارند درگردش سال تخم مرغ می‌گردد (جا به جا می‌شود).

زنان درهمان وقت - خرخاکی - وپول، مخصوصاً سکه‌های نقره و طلا همراه نگاه می‌دارند و عقیده دارند آن‌سال برای آن‌ها خوش یمن است و وامدار نمی‌شوند. نانی که قبلاً و برای نوروز پخته شده مانند نانی است که در ظرف سال تهیه می‌شود با این تفاوت که نان مصرف روزهای اول سال باکنجد و سیاه‌دانه و گلرنگ زینت داده شده، نانوا موقع پختن نان، انگشتان خود را در آب گلرنگ می‌گذارد و درتنور می‌برد و به نان می‌باشد، در نتیجه روی نان اثر انگشت یاریخته شدن آب گلرنگ به رنگ زعفرانی دیده می‌شود. از همین نان بود که به دلاک و حمامی دودانه داده می‌شد.^۲

۱- گلرنگ : گیاهی است ارزان قیمت و شبیه زعفران.

۲- تا چند سال قبل هر خانوار سالیانه دو من گندم و دو من ذرت (هریک من برابر چهار کیلو و هشتصد گرم) به حمامی می‌داد «نه کیلو و ششصد گرم گندم - نه کیلو و ششصد گرم ذرت» و خود و خانواده‌اش برای یک سال از حمام استفاده می‌کرد. و نیز یک من و صد گرم (ع کیلو) گندم و یک‌هفتاد و صد گرم ذرت به دلاک می‌داد و او یک سال سرو صورت او و پسران او را اصلاح می‌کرد و در حمام کیسه می‌کشید. پسران موقعی که متأهل می‌شدند باید مزد جداگانه بپردازند - در چند سال اخیر موقع استفاده از حمام یا آرایشگر باید پول نقد بپردازند و رسم سابق نیست.

پیشوایان مذهبی، هفت سلام^۳ را بازعقران دریدنه داخل کاسه‌ای نوشته و در آن آب می‌ریزند و يك قاشق شمشاد روی کاسه می‌گذارند، کسانی که برای شادباش نوروزی به‌خانه آن‌ها می‌روند غیر از چای و قلیان و سیگار و شیرینی، جرعه‌ای از آن برای تبرک می‌نوشند.

معمولاً بزرگان و علما و ریش سفیدان و معتمدین محل (= که به آن‌ها ارباب گفته می‌شود) در خانه می‌مانند «اصطلاح: نیشته NISHTEH نشسته» و آماده پذیرایی هستند و دیگران دسته‌دسته یا به تنهایی به دیدن آن‌ها می‌روند، دست‌سادات و علمارا می‌بوسند، و با بقیه روبوسی می‌کنند.

تبریک گفتن مانند محاوره به‌گوش محل است:

مبارک بو = مبارک باشد

عید تو مبارک = عیدتان مبارک

غیر از دیدار دوستان و بزرگان به زیارت اهل قبور نیز می‌روند، زن‌ها کاسه‌ای راکه در آن گل سرخ (گل سوری) خیسانده همراه می‌برند و ضمن خواندن فاتحه روی قبر هر يك از خویشان خود قاشقی از این - آب گل (گلاب) (آب گلی راکه خیسانده‌اند) می‌ریزند. اگر گل خشکیده از سال قبل نداشته باشند به‌جای آن سبزه‌ای راکه برای گردش سال پرورش داده بودند همراه برده و آن را به چند بخش نموده هر دسته آن سبزه را روی یکی از قبور خویشان خود می‌گذارند.

جوانانی که نامزد دارند طبقی به‌خانه عروس می‌فرستند (پسارچه، شیرینی، آجیل، صابون، حنا، کفش، زیورآلات) سپس خواهر یا یکی از زنان خویشان داماد، به‌خانه عروس رفته و او را همراه خود به حمام می‌برد بعد از نظافت، موی سر و دست‌وپای او را حنا می‌گذارد.

خانواده عروس هم، داماد و پدر و مادر و برادر او را به شام دعوت می‌کنند.

۳- هفت آیه از قرآن مجید که با - سلام - شروع می‌شود و در کتاب‌های اربعه

ثبت شده.

شب و روز سال نو چراغ خانه را خاموش نمی کنند «امسال اولین سالی است که برق منطقه ای، برق به آبادی داده و دارای ششصد و پنجاه (۶۵۰) مشترک است و روی روش سابق لامپ را ظاهراً خاموش نمی کنند».

روز اول سال به هر جا وارد شوند و هر کس خوراکی تعارف کند برای این که جلو روزی (= رزق) خود را نگیرند باید آن را خورد یا لاقط مزه آن را چشید.

در گذشته غذای نیمروز عید - حلیم - بود، حلیم از گندم بلغور (= نیمکوب) عدس، روغن، شکمبه گوسفند (سیرو، هزارلا، شیردان) چغندر، قارا، پخته می شد. غذای شب - پلو - بود. پلو برابر یک چهارم برنج، روغن گوسفندی می ریختند. مراسمی که در گذشته مرسوم بود و فعلاً متروک شده - رمل نوروز - بود.

علاقه مندان به رمال سفارش می کردند و او اسم آن ها را در کاغذی می نوشت و موقع تحویل سال یکایک آن ها رمل می انداخت و زیر اسم شخص مورد نظر اسامی خانه ها را^۴ یادداشت می کرد و در موقع مناسب بلکه تا اواخر اردی بهشت ماه طول می کشید نزد رمال می رفتند و احکام رمل را برایشان در سال جدید پیش گویی می کرد. به استثنای آن هایی که موقع تحویل سال مشغول کارشان بوده اند و احتیاجی به ساعت سعد از روی تقویم ندارند بقیه باید در سال جدید کار خود را مطابق ساعت سعد که در تقویم نوشته شده شروع کنند^۵.

کسانی که عزیزی از آن ها فوت شده غیر از مجلس ترحیم و هفته و غیره، مراسمی به اسم - اولین عید - دارند، یعنی در اولین عید مذهبی اسلامی (۱۷ ربیع الاول، ۱۳ رجب، ۲۷ رجب، ۳ شعبان، ۱۵ شعبان، اول شوال، ۱۱ ذی القعدة، ۱۰ ذی الحجه،

۴- اسامی به ترتیب سکن: لحيان، قبض الداخل، قبض الخارج، جماعت فرح، عقله، انكيس، حمرة، بياض، نصرت الخارج، نصرت الداخل، عقبه الخارج، نقی الخد، عقبه الداخل، اجتماع، طریق.

۵- هر چه از ماه شد مثنی کن پنج دیگر فضای برسر آن...

و مواضع قمر در ستون تقویم های خشتی چاپ شده، سپس به جدولی که در تقویم است مراجعه می کنند.

۱۸ ذی الحجّه) به سوک می‌نشینند و قاری قرآن دعوت می‌کنند و نظیر مجلس ترحیم، برپا می‌دارند.

در میان اعیاد ملی و باستانی تنها نوروز است که اگر نوروز زودتر از یکی اعیاد یاد شده باشد روز نوروز - اولین عید - را می‌گیرند. تخم مرغ رنگی «تخم مرغ رادر آبی که جوهر یا مواد قرمزی ریخته می‌جوشانند» به بچه‌ها عیدی می‌دهند. و نیز به‌خانه عروس می‌فرستند.

در گذشته: که شا KAH - SHA بازی شاه (میر نوروزی) نیز مرسوم بود، و نیز: یاغی بگیری. در چند سال اخیر که سرگرمی‌های جدیدی مانند: رادیو، تلویزیون، ضبط صوت، نوار، پیدا شده از این گونه بازی‌های نوروزی خبری و اثری نیست.

به‌طور خلاصه. بازی شاه این‌طور بود که کسی را به اسم شاه سوار بر خری کرده و از کوچه‌ها و میدان آبادی می‌رفتند عده‌ای سپاهیان و اطرافیان او بودند و هر کسی ترکه‌ای یا چوبی در دست داشت و احکام شاه را اجرا می‌کردند. نوعی انتقام‌جوئی یا انتقاد یا شوخی در احکام بود. کسی که ظلمی مرتکب شده بود در این جا تشبیه می‌شد. از خسیسان و کسانی که دوره سال لقمه‌نانش را کسی نخورده بود، نان مطالبه می‌شد. ستمگری که حقی از بین برده بود به شوخی و جدی مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت.

یاغی بگیری، کسانی بودند که فرار می‌کردند و دیگران به دنبال آن‌ها، و یاغیان پنهان می‌شدند و اگر پیدایشان می‌کردند تشبیه می‌شدند.

قبل از تأسیس دبستان (۱۳۲۴ خورشیدی) که مکتب‌خانه دایر بود، معلم مکتب‌خانه اشعاری که در بیاض خطی داشت و هر يك از آن‌ها را بر روی کاغذ رنگی (سرخ، سبز، آبی، نارنجی ...) یا کاغذ - ابرو باد - که يك رویه آن سفید و رویه دیگر آن رنگی بود، می‌نوشت و به هر شاگرد یکی از آن‌ها را می‌داد. شاگرد آن را برای پدر و مادرش می‌خواند و هدیه‌ای برای معلم مکتب‌خانه می‌برد.

نمونه شادباش مکتب‌خانه

نوروز نوبهار است، عید همه مبارک
گلها میان خار است عید همه مبارک

امروز عید آمد	عید سعید آمد	وقت امید آمد	عیدهمه مبارک
اردک شناگر آمد	بلبل سخنور آمد	درمدح حیدر(ع) آمد	عیدهمه مبارک
بابا بده نجاتم	ده پول یا براتم	ده قند یا نباتم	عیدهمه مبارک
نقل عروسیم ده ^۶	یاقند روسیم ده ^۷	کلاه پوستیم ده ^۸	عیدهمه مبارک
بزم بزغاله زاده	نراست یا که ماده	چایی نما آماده	عیدهمه مبارک

* * *

چون در قدیم مرسوم بوده که آب مخصوص سال نو را از زیر آسیاب بردارند و فعلاً مرسوم نیست، برای این که لهجه محل شناخته شود و آله‌های مربوط به آسیاب را در این جا می‌آوریم:

ار Er = آسیاب.

ارو Ervo = آسیابان.

نگاه شود به: دندوایر = دندان آسیا، آراره = فك (آسیا مانند) هوه
Have = پارو آلتی که با آن آرد را در ظرف می‌ریزند. ونیز آلتی که با آن برف را پاک می‌کنند.

تورونه Turune = حوضی عمیق که در کف آن سوراخی است و آب با فشار به چرخ می‌ریزد = تنوره.

اردس Erdas = دست آس، آسیا دستی.

دول Dul = مخزن گندم، گندم از دول به نازه واز آن جا به سوراخ سنگ می‌ریزد.

نازه Nage = گلوی زیر مخزن - گندم به آن جا می‌آید. لکره می‌لرزاند و گندم می‌افتد.

۶- نقل مخصوص عروسی.

۷- قندی که از کشور روسیه آمده.

۸- ده (به کسر اول) بده، بهمن بده.

لکره Lekereh = از يك طرف به سنگ می خورد و می لرزد و از ناژه گندم

می ریزد.

دنه Deneh = آرد بسیار نرم - گردی که اطراف می نشیند.

آرت Art = آرد.

اوموته Omote = دونوع غله یا حبوبات مخلوط شده و آرد کرده اند

(گندم + ذرت)، (جو + ذرت).

لا La = هرز آب. آبی که از آن استفاده نمی شود.

۱- موقعی که آب از جای دیگری برود و به آسیاب نرود.

۲- آبی که در زمستان برای کشاورزی لازم نیست و آن را رها کنند.

۳- اولا Ola = سیل = سیلاب.

قمه Qomeh = سوراخی که آب از تنوره بیرون می رود.

و نیز : سوراخی که آب استخراج می کنند.

بره Bere = چهارجویی که تخته ای در آن است و در جوی آب کار گذاشته اند،

هرگاه تخته را بیرون بکشند آب می آید و چون داخل چهارچوب گذارند مانع

شود. جویی که آب به تنوره می رسد - بره - دارد که سنگ و خاک و غیره همراه آب

به تنوره نرود.

واره Vareh = سنگ و شن و خاک است که همان استفاده از آن می شود.